

اثر تحریم‌های ایالات متحده آمریکا بر ارائه خدمات حقوقی به ایران

(مقاله علمی-پژوهشی)

عصمت گلشانی*

سیدمهدی حسینی مدرس**

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۱/۱۰/۱۸

تاریخ دریافت: ۱۴۰۱/۰۵/۱۲

چکیده

با گسترش تحریم‌های ایالات متحده علیه ایران، بسیاری از ارائه‌دهندگان خدمات حقوقی حتی در کشورهای اروپایی از ارائه خدمات حقوقی به اتباع ایرانی یا رسیدگی به اختلافاتی که به نحوی به ایران مربوط می‌شده، خودداری کردند. به‌طور خاص، این خودداری از سوی سازمان‌های داورى بیشتر مورد توجه واقع شد.

پرسش اصلی پژوهش حاضر این است که آیا تحریم‌های ثانویه آمریکا می‌تواند دلیلی بر ارائه نکردن خدمات حقوقی از سوی سازمان‌های داورى و به تبع آن خدمات مالی مؤسسات مالی فعال در روندهای داورى باشد؟

بر اساس سه فرمان اجرایی صادره از سوی رئیس‌جمهور ایالات متحده آمریکا علیه ایران، از یک سو ارائه خدمات حقوقی و مالی از جانب سازمان‌های داورى و مؤسسات مالی فعال در روندهای داورى، آن‌ها را در معرض ریسک تحریم و اعمال ضمانت اجرای نقض تحریم‌ها قرار می‌دهد و از سوی دیگر، مجوز عام مقرر شده در قسمت‌های a و d ماده ۵۶۰،۵۲۵ «مقررات تحریم‌ها و معاملات ایران» شامل ارائه خدمات حقوقی می‌شود. اما حتی این امر نیز قطعی نیست؛ به طوری که این استثنا نیز مطابق بند یکم قسمت d ماده ۵۶۰،۵۲۵ مقررات فوق‌الذکر و نیز سایر قوانین و مقررات محدود و مقید شده است.

در نتیجه، این سه فرمان اجرایی و استثنای مجوز عام، ارائه خدمات حقوقی و مالی به اتباع ایرانی یا اختلافاتی را که به نحوی به ایران مربوط می‌شده، صراحتاً ممنوع نکرده است؛ لیکن عملاً آن را بر اساس ارزیابی هزینه-فایده‌ای کرده که از سوی سازمان‌های داورى و مؤسسات مالی انجام می‌گیرد؛ حتی اگر این خودداری از ارائه خدمات منجر به امکان طرح دعوی مطالبه خسارت علیه آن‌ها شود.

کلیدواژگان:

تحریم، خدمات حقوقی، داورى، تحریم‌های ثانویه، سازمان داورى، مؤسسات مالی، مجوز عام، ایران، ایالات متحده آمریکا.

* استادیار گروه حقوق پردیس خواهران دانشگاه امام صادق (ع)

Esmat.Golshani@isu.ac.ir

** استادیار گروه حقوق اقتصادی دانشکده حقوق دانشگاه شهید بهشتی تهران (نویسنده مسئول)

Mahdi.Modarres@gmail.com

مقدمه

خدمات حقوقی، جزئی جدایی‌ناپذیر از حوزه تجارت بین‌الملل هر کشور محسوب می‌شود. این خدمات شامل مواردی همچون وکالت، مشاوره، داوری سازمانی، داوری موردی، دادرسی‌های دادگاهی و خدمات جانبی دادرسی مثل کارشناسی، ترجمه و ...^۱ می‌شود.

در یک سیاست تجاری متوازن و موفق، هر نظام حقوقی می‌کوشد که دسترسی مناسبی را برای اشخاص حقیقی و حقوقی فعال در تجارت بین‌الملل به خدمات حقوقی بین‌المللی فراهم کند. نظام حقوقی ایران نیز با تصویب قانون داوری تجاری بین‌المللی (۱۳۷۶)، قانون تشویق و حمایت از سرمایه‌گذاری خارجی، معاهدات دوجانبه سرمایه‌گذاری، الحاق به «کنوانسیون شناسایی و اجرای احکام داوری خارجی تنظیم‌شده در نیویورک» (۱۳۸۰)، ایجاد سازمان‌های داوری، و ... دسترسی به خدمات حقوقی بین‌المللی را برای بازرگانان تسهیل کرد.

با گسترش تحریم‌های وضع‌شده علیه ایران در سال‌های اخیر - به‌ویژه تحریم‌های ثانویه ایالات‌متحده - بسیاری از ارائه‌دهندگان خدمات حقوقی حتی در کشورهای اروپایی از ارائه خدمات حقوقی به اتباع ایرانی یا در خصوص پرونده‌هایی که یک طرف دعوای قراردادی از اتباع ایران بوده یا پرونده به‌نحوی به ایران مربوط می‌شده، خودداری کردند. این در حالی است که هیچ‌یک از تحریم‌های اتحادیه اروپا و کشور مقر آنها مستقیماً ارائه این خدمات را ممنوع نمی‌کرد. برای مثال، مهم‌ترین و پرکاربردترین سازمان‌های داوری مستقر در کشورهای اروپایی بدون ذکر علت و ارائه توضیح از رسیدگی به دعوای مرتبط با ایران خودداری کرده‌اند.^۲ همچنین، اکثر قریب به اتفاق مؤسسات حقوقی معتبر که حائز رتبه‌های عالی بودند، از ارائه خدمات وکالت و مشاوره به اتباع ایرانی یا در خصوص دعوای مرتبط با ایران خودداری می‌کردند؛ آن هم نه به

۱. در مقدمه شماره ۱۹ «مقرره ۲۰۲۲/۱۹۰۴ شورای اروپا مصوب ۶ اکتبر ۲۰۲۲» که تحریم‌های اتحادیه اروپا علیه روسیه را گسترش می‌دهد، تعریف جامعی از خدمات حقوقی ارائه شده است.

۲. رضوانیان، اویس، **مسئولیت حقوقی سازمان‌های داوری ناشی از استنکاف از رسیدگی به اختلافات ارجاعی**، پژوهش حقوق خصوصی، پاییز ۱۳۹۷، دوره ۶ شماره ۲۴، ص ۳۹.

دلیل تعارض منافع احتمالی، بلکه به سبب آنچه «پپچیدگی‌های پیش‌بینی‌نشده‌ی ارائه خدمات حقوقی به شرکت‌های ایرانی» از سوی این مؤسسات اعلام می‌شد.^۱

با وجود اینکه تحلیل ارائه‌شده در این مقاله به‌طور عام به اثر تحریم‌ها بر هرگونه خدمات حقوقی تعمیم‌پذیر و تطبیق‌پذیر است، به دو دلیل، تمرکز مقاله حاضر بر خدمات حقوقی در حوزه حل‌وفصل اختلافات از طریق داوری سازمانی استوار است. نخست آنکه برخلاف سایر ارائه‌دهندگان خدمات حقوقی که می‌توانند خودداری از ارائه خدمات حقوقی را به آزادی قراردادی در انتخاب طرف قرارداد منتسب سازند،^۲ سازمان‌های داوری با اعلام عمومی شرط داوری خود یک ایجاب کلی را ارائه داده‌اند که با درخواست شروع فرایند حل اختلاف از سوی یک طرف اختلاف این التزام به ارائه خدمات حقوقی برای آن سازمان‌ها ایجاد می‌شود. دوم آنکه داوری، در چارچوب یکی از مهم‌ترین و پرکاربردترین نهادهای ارائه‌دهنده خدمات حقوقی در سطح بین‌المللی قرار دارد و داوری سازمانی، به‌طور اخص، در دعاوی تجاری بین‌المللی اهمیت و گستره کاربرد فراوانی پیدا کرده است.

در چنین وضعیتی هرگاه یک اختلاف حقوقی ناشی از تحریم‌ها یا مربوط به آن، به یک نهاد داوری ارجاع شود، این نهاد در تصمیم برای ارائه خدمات حقوقی حل‌وفصل اختلافات باید به این پرسش پاسخ دهد که آیا دعاوی قراردادی خصوصی دربردارنده یا مشمول تحریم یا طرف‌های تحریم‌شده، قابلیت رسیدگی از طریق داوری را دارند یا نه؟

به این پرسش از دو جنبه می‌توان پاسخ داد. نخست از حیث تمرکز بر ماهیت تحریم‌ها که می‌توان آن را نوعی «داوری‌پذیری موضوعی» نامید و دوم از حیث ریسک‌هایی که در صورت

۱. این نتیجه بر اساس تجربه مذاکره و راهبری دریافت خدمات حقوقی برای اشخاص خصوصی و عمومی ایران که نیاز به خدمات حقوقی در کشور اتریش، هند، ایتالیا، دانمارک و ترکیه داشتند، طی سال‌های ۲۰۱۸ تا ۲۰۲۲ به دست آمده است. درخواست خدمات حقوقی از سوی ده مؤسسه برتر حقوقی - بر اساس قدر مشترک سایت‌های معتبر رتبه‌بندی مؤسسات حقوقی (اولویت شماره ۱) - هر کشور ندرتاً با موفقیت روبه‌رو می‌شود. معمولاً مؤسسات حقوقی که در رده‌های پایین‌تر قرار می‌گرفتند، حاضر بودند چنین خدماتی را به شرکت‌های ایرانی ارائه دهند.

۲. سایر ارائه‌دهندگان خدمات حقوقی مانند وکلا و مشاوران حقوقی قانوناً آزاد هستند تا اقدام به انعقاد قرارداد ارائه خدمات حقوقی بکنند یا از آن امتناع ورزند و نمی‌توان آن‌ها را ملزم به ارائه خدمات حقوقی به شخص معینی کرد؛ هرچند در صورتی که دلیل این خودداری از ارائه خدمات حقوقی را تحریم‌های ایالات‌متحده اعلام کنند، مشمول ضمانت اجراهای قوانین بلوکه‌کننده اتحادیه اروپا می‌شوند.

ارائه خدمات حقوقی، خود سازمان‌های داوری و مؤسسات مالی درگیر در روند داوری^۱ با آن مواجه می‌شوند.

از منظر نخست - که البته از حوزه این پژوهش خارج است - با توجه به اینکه دعاوی متضمن تحریم‌ها به مسئله اعمال یا عدم اعمال قواعد امره برتری که منافع عمومی را تأمین می‌کنند، مربوط می‌شوند.^۲ داوری که با چنین پرونده‌ای روبه‌رو می‌شود، قبل از ورود به امور ماهوی، باید به این پرسش پاسخ دهد که آیا اساساً این دعوی از سوی وی قابل رسیدگی است یا خیر و او صلاحیت رسیدگی دارد یا نه؟ به بیان کلی، بحث به این امر مربوط است که چه موضوعاتی قابل ارجاع به داوری است و چه موضوعاتی قابل ارجاع به داوری نیست.^۳ به‌طور خاص، آیا دعاوی مربوط به قواعد امره برتر، داوری‌پذیرند یا نه؟^۴ در قالب پاسخی کوتاه می‌توان گفت که اگرچه برخی تحریم‌ها باعث می‌شوند انواع خاصی از دعاوی نپذیرفتنی شود و/یا طرح دعاوی به وجود آمده از قراردادهایی را که تحت تأثیر این تحریم‌ها هستند، ممنوع می‌کنند، در جایگاه یک اصل، تحریم اقتصادی چنین محدودیتی را برای طرح دعاوی دربردارنده یک یا چند طرف تحت تحریم، در داوری ایجاد نمی‌کنند.^۵

۱. منظور از مؤسسات مالی درگیر در رسیدگی داوری، مؤسساتی هستند که وجوه و دارایی‌های مؤسسات داوری را اداره می‌کنند و تراکنش‌های مالی مرتبط با ارائه خدمات حقوقی -مانند دریافت هزینه‌های دادرسی و ... - را انجام می‌دهند.

۲. با توجه به اینکه توصیف ماهیت تحریم‌ها یک امر تخصصی و گسترده است که امکان پرداختن به آن در این پژوهش نیست و محل پژوهش‌های دیگری قرار دارد، در خصوص توصیف تحریم‌ها به‌مثابه «قواعد امره برتر»، ن.ک: گلشنی، عصمت، تأثیر تحریم‌ها بر قراردادهای بازرگانی بین‌المللی، رساله دکتری حقوق خصوصی، دانشکده حقوق دانشگاه شهید بهشتی، ۱۳۹۶، صص ۸۱-۸۷؛ جعفرزاده، میرقاسم؛ گلشنی، عصمت؛ و حسینی مدرس، سید مهدی، جایگاه «شرط شایستگی اعمال» در تأثیر تحریم‌های موضوعه از سوی کشورهای ثالث، پژوهش‌های حقوق تطبیقی، ۱۴۰۰، ۲۵ (۲)، صص ۵۳ و ۵۴ و پانویس‌های مندرج در این صفحات.

۳. لئو، جولیان دی‌ام، میستلیس، لوکاس ای، کرول، استفان ام، *داوری تجاری بین‌المللی تطبیقی*، ترجمه محمد حبیبی مجنده، قم، انتشارات دانشگاه مفید، پاییز ۱۳۹۱، چ ۱، ص ۲۰۳.

۴. پاسخ تفصیلی به این مسئله در مقاله دیگری از همین نویسندگان با عنوان «قابلیت داوری (داوری‌پذیری) دعاوی قراردادی متأثر از تحریم‌های تجاری» طرح شده است.

5. Azeredo da Silveira, Mercédeh, den Hartog, Stephan, Asset Freezes and the Payment of Advances on Costs: Are the Proceedings Bound to End Before They Have Even Begun?, Kluwer Arbitration Blog, October 19th, 2021, available at: <http://arbitrationblog.kluwerarbitration.com/2021/10/19/asset-freezes-and-the-payment-of-advances-on-costs-are-the-proceedings-bound-to-end-before-they-have-even-begun/>

اما از منظر دوم- که موضوع اصلی مقاله حاضر است - باید به اثر مسدود شدن دارایی‌های مؤسسات دآوری و مؤسسات مالی درگیر در فرایند دآوری بر تصمیم آن‌ها برای ارائه خدمات حقوقی پرداخت. به عبارت دیگر، به تبیین و تحلیل نپذیرفتن دآوری یک اختلاف از سوی یک سازمان دآوری به سبب محدودیت‌هایی که عملاً در نتیجه بخشی از تحریم‌ها با آن مواجه می‌شود، خواهیم پرداخت. در چنین وضعیتی، مؤسسه دآوری با مسئله ارزیابی ریسک‌ها و هزینه-فایده انجام دآوری روبه‌رو می‌شود.

برای پاسخ دادن به پرسش مطرح‌شده از منظر دوم، در این مقاله تمرکز بر آثار تحریم‌های ثانویه ایالات‌متحده آمریکا بر ایران خواهد بود. در گام نخست ابتدا مفهوم تحریم‌های ثانویه روشن می‌شود (شماره ۱) و سپس تحریم‌های ثانویه جاری آمریکا علیه ایران که می‌تواند بر ارائه خدمات حقوقی به ایران تأثیر بگذارد، تبیین می‌شود (شماره ۲). در گام دوم، در پاسخ به پرسش مقدر مطرح‌شده و اینکه ریسک تحریم‌های ثانویه آمریکا علیه ایران بر سازمان‌های دآوری و بانک‌ها و مؤسسات مالی مرتبط با آن‌ها چه اثراتی می‌گذارد، ابتدا به این پرسش پاسخ داده خواهد شد که: «آیا فعالیت‌های سازمان‌های دآوری و مؤسسات مالی فعال در روند دآوری، در قلمرو تحریم‌های ثانویه آمریکا علیه ایران قرار می‌گیرد؟» (شماره ۳)؛ سپس اثر مجوزهای عام و کلی ایالات‌متحده در خصوص ارائه خدمات حقوقی بر تصمیم سازمان‌های دآوری و مؤسسات مالی مذکور درباره دعوایی که دربردارنده اتباع ایران است، تحلیل خواهد شد (شماره ۴)؛ و در نهایت، عوامل تأثیرگذار بر ارزیابی ریسک‌ها و هزینه-فایده از سوی سازمان‌های دآوری و مؤسسات مالی مذکور، در خصوص انجام دادن یا ندادن دآوری، بررسی خواهند شد (شماره ۵).

یافته‌های این پژوهش -اعم از توصیفی و تحلیلی- از دو جهت اهمیت دارند: نخست، ضرورت آشنایی با رویکرد مؤسسات دآوری و مالی و مبانی حقوقی ملاحظاتی که در پذیرش یا عدم پذیرش دآوری دعاوی مرتبط با اتباع ایران دارند. این آشنایی در تدارک دفاع مؤثر از حقوق اتباع ایرانی یا منافع مرتبط با ایرانیان اهمیت بسیاری دارد. دوم، از جانب اتباع و بازرگانان ایرانی و آگاهی‌هایی که باید هنگام انعقاد قراردادهای تجاری و درج شرط یا موافقت‌نامه دآوری داشته باشند تا بتوانند ارزیابی صحیحی از ریسک‌های حقوقی قراردادهای و مراودات تجاری بین‌المللی خود به عمل آورند.

۱. مفهوم تحریم‌های ثانویه

«تحریم‌های یک‌جانبه»^۱ که به‌طور یک‌طرفه از سوی یک کشور به‌صورت انفرادی علیه کشوری دیگر وضع می‌شوند، خود به سه دسته تحریم‌های اولیه^۲، ثانویه^۳ و ثالثیه^۴ تقسیم می‌شوند.^۵ اگر تنها به روابط دو طرف (کشور واضع تحریم و کشور هدف تحریم) مربوط شود، به‌طوری‌که کشور واضع تحریم، از برقراری روابط تجاری یا تبادل خدمات یا سایر روابط اقتصادی و اجتماعی با کشور دیگر یا فقط اشخاص معینی از آن کشور امتناع کند، این تحریم اصطلاحاً «تحریم اولیه یا ابتدایی»^۶ خوانده می‌شود. دامنه شمول این تحریم محدود است؛ مانند ممنوعیت تحریم معامله اتباع آمریکایی با اتباع ایرانی که در تحریم‌های آمریکا مقرر شده است.^۷

1. Autonomous/Unilateral Sanctions

در واقع، در این نوع تحریم، کشور وضع‌کننده تحریم بر اساس تصمیم یک‌طرفه خود تحریم را اعمال می‌کند. در این بین، آمریکا بیشترین سهم در وضع تحریم‌های یک‌جانبه در میان کشورهای جهان را به خود اختصاص داده است.

2. Primary Sanctions

3. Secondary Sanctions

4. Tertiary Sanction

تحریم‌های ثالثیه، مستقیماً علیه اشخاصی هستند که خارج از کشورهای واضع و هدف تحریم‌اند و هیچ روابطی هم با کشور هدف ندارند، ولی با اشخاص و مؤسساتی رابطه دارند که آن‌ها هم در خارج از کشور هدف هستند؛ یعنی با کشور هدف روابط غیرمستقیم دارند.

(Azeredo da Silveira, M. *Trade Sanctions and International Sales- An Inquiry into International Arbitration and Commercial Litigation*, The Netherlands: Wolters Kluwer, 2014, p. 166, n. 268.)

۵. لازم به ذکر است که مشروعیت تحریم‌های یک‌جانبه در حقوق بین‌الملل محل تردید جدی است؛ به‌ویژه در خصوص تحریم‌های ثانویه که به‌صورت فراسرزمینی اعمال می‌شوند؛ زیرا نقض اصول صلاحیت و عدم مداخله در امور داخلی سایر کشورها موجب نقض حاکمیت دولت تحریم‌شده می‌شود. همچنین، ناقض تعهدات دولت واضع تحریم در خصوص حقوق تجارت بین‌الملل، معاهدات تجارت و مودت، معاهدات سرمایه‌گذاری و میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی است.

Douhan, Alena F. **Secondary sanctions, civil and criminal penalties for circumvention of sanctions regimes and overcompliance with sanctions**, Report of the Special Rapporteur on the negative impact of unilateral coercive measures on the enjoyment of human rights to the Human Rights Council, 2022, Paras. 2, 11, 15, 16 and 39.

۶. ابراهیمی، سید نصرالله، اوپار حسین، شادی، **آثار تحریم بر اجرای قراردادهای بازرگانی بین‌المللی از**

منظر فوری ماژور، دو فصلنامه علمی- پژوهشی دانش حقوق مدنی، پاییز و زمستان ۱۳۹۱، ش ۲، ص ۶.

۷. مانند تحریم‌های مقرر در مجموعه تنقیح‌شده «مقررات تحریم‌ها و معاملات ایران» ITR (Iranian Transactions And Sanctions Regulations) در ۲۲ اکتبر ۲۰۱۲ با عنوان «مقررات معاملات ایران» ITR (Iranian Transactions Regulations) در اداره کنترل دارایی‌های خارجی وزارت خزانه‌داری ایالات متحده آمریکا به تصویب رسید و آخرین بار در تاریخ یکم جولای ۲۰۲۲ اصلاح شد.

<https://www.ecfr.gov/current/title-31/subtitle-B/chapter-V/part-560>

در تحریم‌های اولیه، دولت واضح، اتباع خود را از انجام معامله و برقراری مرادده با اتباع و اشخاص حقیقی و حقوقی کشور مورد تحریم یا اشخاص وابسته به آن‌ها منع می‌کند؛ لذا این نوع تحریم به نوعی اعمال صلاحیت حاکمیتی کشور واضح بر اتباع خویش است. در واقع، تحریم‌های اولیه معمولاً اشخاص حقیقی و حقوقی تحت صلاحیت کشور واضح تحریم یا اشخاص حقیقی و حقوقی را که در حوزه کالاها و فناوری‌هایی تحت صلاحیت کشور واضح تحریم به فعالیت می‌پردازند، از درگیر شدن در معاملات تجاری و/یا مالی با کشور هدف منع می‌کنند.

اما در تحریم‌های ثانویه، کشورهای واضح تحریم تهدید به اعمال ضمانت اجرا بر اشخاص حقیقی و حقوقی خارجی می‌کنند که تحت صلاحیت کشور واضح تحریم نیستند، بلکه درگیر معاملاتی هستند که هیچ ارتباطی با کشور واضح تحریم ندارد، اما روابط تجاری و/یا مالی خود را با کشور هدف تحریم ادامه می‌دهند.

به‌ویژه، تحریم‌های ثانویه آمریکا اساساً «طراحی شده‌اند تا شرکت‌های خارجی را مجبور کنند بین تجارت با آمریکا از یک سو و تجارت با کشورهای تحت تحریم از سوی دیگر، یکی را انتخاب کنند.»^۱

در تحریم‌های ثانویه - که به دسته «تحریم‌های غیرمستقیم» نیز تعلق دارند - کشور واضح تحریم، دامنه تحریم را گسترش می‌دهد و از برقراری روابط بازرگانی، مالی و سایر روابط با کشورها یا اشخاص حقیقی یا حقوقی که با کشور هدف تحریم دارای روابط هستند، خودداری می‌کند؛^۲ یا افرادی با تابعیت کشور ثالث را از برقراری ارتباط با کشور هدف منع می‌کند. این تحریم‌ها به‌طور مستقیم علیه اشخاص و مؤسساتی هستند که در خارج از کشورهای واضح و هدف تحریم قرار دارند، ولی به‌صورت مستقیم، روابطی با کشور هدف دارند. در واقع، در تحریم‌های ثانویه، دولت واضح نه‌تنها اتباع خود را با تهدید به ضمانت اجرا ملزم به رعایت تحریم‌ها می‌کند، بلکه آن را به اتباع سایر کشورها نیز توسعه می‌دهد؛ بدین صورت که در صورت نقض تحریم‌ها برای آن‌ها ضمانت اجرایی از قبیل مجازات، منع دسترسی به بازار و ارز کشور

1. Low, Lucinda A. and William M. McGlone, "Avoiding Problems under the Foreign Corrupt Practices Act, US Antiboycott Laws, OFAC Sanctions, Export Controls, and the Economic Espionage Act", in: Sandstrom and Goldsweig (eds), *Negotiating and Structuring International Commercial Transactions*, 2nd, 2003, pp. 217-218.

۲. ابراهیمی، همان.

واضح، ممنوعیت ورود به آن کشور و گسترش تحریم‌ها به ناقضان تحریم را در نظر می‌گیرد. تحریم‌های آمریکا، سوئیس و چین از جمله این تحریم‌ها است. بنابراین، وقتی ایالات متحده آمریکا مؤسسات داوری یا مالی غیر ایرانی را تهدید می‌کند که در صورت ارائه خدمات حقوقی و مالی مرتبط - مانند نقل و انتقال پول برای پرداخت هزینه‌های داوری - به ایران و اتباع آن، تحت شمول ممنوعیت‌های تحریمی خاصی قرار می‌گیرد یا دارایی‌های آن مؤسسات داوری و مالی در آمریکا مسدود می‌شود، می‌توان نام چنین رفتاری را تحریم‌های ثانویه آمریکا بر مؤسساتی دانست که خود تحت تحریم مستقیم نیستند و در ایران (به‌منزله کشور هدف تحریم) نیز واقع نشده‌اند.

ایالات متحده آمریکا تحریم‌های ثانویه را مکرراً به کار برده است. دو نمونه مشهور آن، قانون هلمز-برتون^۲ که کلیتاً، رئیس‌جمهور وقت آمریکا، آن را متعاقب غرق شدن دو هواپیمای خصوصی آمریکا از سوی دولت کوبا، در ۱۲ فوریه ۱۹۹۶ امضا کرد و نیز «قانون تحریم‌های ایران و لیبی»^۳ است که وی در پنجم اوت ۱۹۹۶، برای «بازداشتن ایران و لیبی از حمایت از تروریسم بین‌المللی و دستیابی به جنگ‌افزارهای کشتار جمعی» امضا کرد. به‌موجب این قانون، آمریکا تهدید کرد که مجازاتی را بر مؤسساتی وضع می‌کند که به‌هیچ‌وجه ارتباطی با آمریکا ندارند، اما از تجارت با کشورهای کوبا، ایران و لیبی خودداری نمی‌کنند. نمونه اخیر آن نیز قانون سزار ۲۰۱۹ ایالات متحده علیه دولت سوریه است^۴ که به‌موجب آن، تحریم‌های ثانویه حتی می‌تواند شامل فعالان خدمات بشردوستانه و کارمندان آنها نیز بشود که در بازسازی زیرساخت‌های سلامت بعد از جنگ با دولت سوریه همکاری دارند.

۲. تحریم‌های ثانویه حال حاضر آمریکا بر ایران

رژیم تحریم‌های آمریکا علیه ایران، تاریخی طولانی و پیچیده دارد. آمریکا به‌موجب صلاحیت‌های تقنینی مختلف، از سال ۱۹۷۹ و متعاقب تسخیر سفارت آمریکا و گروگان‌گیری دیپلمات‌های آمریکایی در ایران، انبوهی از محدودیت‌ها را بر فعالیت‌ها و مراودات با ایران وضع

1. Douhan, op. cit. Para. 13.

2. Helms-Burton Act (LIBERTAD) (1996)

3. Iran and Libya Sanctions Act (ILSA) (1991)

4. The Caesar Syria Civilian Protection Act of 2019 (the Caesar Act).

کرده است. در حال حاضر، یک شبکه پراکنده و پیچیده متشکل از هر دو نوع تحریم‌های اولیه و ثانویه از سوی آمریکا علیه ایران در جریان است.

دفتر کنترل دارایی‌های خارجی وزارت خزانه‌داری آمریکا (اُفک)^۱ - که مسئولیت وضع اولیه تحریم‌های مالی آمریکا را بر عهده دارد - مکرراً فهرستی را با عنوان «فهرست اتباع به‌طور ویژه [خاص] مشخص شده و اشخاص مسدودشده» (معروف به فهرست اِس.دی.ان)^۲ به‌روزرسانی می‌کند.^۳

فهرست اِس.دی.ان، اشخاص، شرکت‌ها و مؤسساتی را شامل می‌شود که دارایی‌هایشان بلوکه و مسدود شده است. این بلوکه شدن دارایی‌ها به دو دلیل ممکن است رخ دهد:

۱. در صورتی که این اشخاص حقیقی و حقوقی برای یا به نفع یک کشور تحت تحریم عمل کنند یا تحت مالکیت یا کنترل چنین کشوری باشند.

۲. در صورتی که این اشخاص حقیقی و حقوقی، متعاقب یک برنامه تحریمی غیر اختصاص‌یافته به کشورها، مورد تحریم قرار گرفته باشند؛ مثل تحریم‌هایی که تروریست‌ها و قاچاقچیان مواد مخدر را هدف قرار می‌دهند.

اشخاص آمریکایی از انجام معاملاتی که دربردارنده هر شخص حقیقی یا حقوقی مندرج در فهرست اِس.دی.ان باشد، ممنوع‌اند. منظور از اشخاص آمریکایی، اشخاص ذیل هستند:

۱. هر شهروند آمریکایی؛

1. The Office of Foreign Assets Control of the US Department of the Treasury (OFAC)
2. Specially Designated Nationals and Blocked Persons List (the "SDN List")

این فهرست از سوی اداره کنترل دارایی‌های خارجی آمریکا یا اوفک به‌مثابه اداره زیرمجموعه وزارت خزانه‌داری آمریکا نگهداری و به‌روزرسانی می‌شود و محتوای آن فهرستی از افراد و شرکت‌هایی است که تحت مالکیت یا کنترل کشورهای هدف تحریم هستند یا برای آن‌ها یا به‌کنندگی از طرف آن‌ها فعالیت می‌کنند. این فهرست همچنین شامل افراد، گروه‌ها و اشخاصی نظیر تروریست‌ها (شامل سازمان‌های تروریستی، تروریست‌های فردی و حامیان دولتی تروریسم) و قاچاقچیان مواد مخدر است که ذیل برنامه‌های تحریمی مربوط به کشور خاصی قرار نگرفته‌اند. این افراد و سازمان‌ها از انجام امور تجاری با ایالات‌متحده، شرکت‌های آمریکایی یا اشخاص حقیقی آمریکایی ممنوع یا محدود شده‌اند.

فهرست ویژه هم شامل افراد و شرکت‌های تحت تحریم اولیه و هم افراد و شرکت‌های تحت تحریم ثانویه است. برای تمایز این تقسیم‌بندی، در فهرست ویژه، افراد و شرکت‌های مشمول تحریم‌های ثانویه با برچسب subject to secondary sanctions مشخص شده‌اند.

3. OFAC, Specially Designated Nationals and Blocked Persons List, available at <<https://home.treasury.gov/policy-issues/financial-sanctions/specially-designated-nationals-and-blocked-persons-list-sdn-human-readable-lists>>.

۲. هر فرد خارجی که اقامت دائم آمریکا را دارد؛
۳. هر شخص حقوقی تشکیل شده طبق قوانین آمریکا (این مورد شامل شعبه‌های خارجی شخص حقوقی هم می‌شود)؛
۴. هر شخص مستقر در آمریکا.
- به‌علاوه، اشخاص حقیقی و حقوقی غیر آمریکایی (از جمله مؤسسات مالی خارجی) نیز در موارد ذیل در معرض ریسک تحریم‌های ثانویه آمریکا قرار می‌گیرند: اگر در معاملاتی درگیر شوند که دربردارنده هر شخص حقیقی یا حقوقی مندرج در فهرست ایس.دی.ان باشد، یا اگر به‌طور چشمگیری این‌گونه معاملات را تسهیل کنند.
- در همین راستا، دونالد ترامپ^۱، رئیس‌جمهور وقت آمریکا، بعد از خروج اجرایی از برنامه جامع اقدام مشترک (موسوم به برجام)^۲، مجموعه‌ای از فرمان‌های اجرایی^۳ را در سال ۲۰۱۸ صادر کرد که سه نمونه از آن‌ها درباره ایران اهمیت می‌یابد:
۱. فرمان اجرایی شماره ۱۳۸۴۶ به تاریخ ششم اوت ۲۰۱۸: این فرمان اجرایی در درجه نخست بخش‌های انرژی، کشتی‌رانی و بانکداری ایران را هدف قرار می‌دهد.
 ۲. فرمان اجرایی شماره ۱۳۸۷۱ به تاریخ هشتم مه ۲۰۱۹ که تحریم‌هایی را در خصوص آهن (فلزات)، فولاد، آلومینیوم و مس وضع می‌کند.
 ۳. فرمان اجرایی شماره ۱۳۹۰۲ به تاریخ دهم ژانویه ۲۰۲۰ بر بخش‌های ساخت‌وساز (عمرانی)، معدن، تولید، نساجی و مالی اقتصاد ایران متمرکز شده است. در واقع، فرمان اجرایی اخیر به‌طور خاص وزیر خزانه‌داری آمریکا را مجاز می‌کند تا با مشورت وزیر امور خارجه، اشخاص حقیقی و حقوقی فعال در بخش‌هایی از اقتصاد ایران اعم از عمران، معدن، ساخت‌وساز و نساجی یا همکاران اقتصادی آن‌ها را تحت تحریم قرار دهد.
- فرمان‌های اجرایی مذکور، محدودیت‌های معتناهایی را بر اشخاص حقیقی و حقوقی غیر آمریکایی وضع می‌کنند؛ مثلاً، در خصوص انتقال منابع مالی و وجوهی که از ایران سرچشمه می‌گیرند و/یا انتقالی که از سوی اشخاص حقیقی و حقوقی ایرانی یا از طرف آن‌ها از سوی اشخاص دیگر انجام می‌شوند، محدودیت ایجاد می‌کنند.

1. Donald Trump
 2. The Joint Comprehensive Plan of Action (JCPOA)
 3. Executive Orders (EO)

۳. احتمال شمول تحریم‌های ثانویه آمریکا بر ارائه خدمات حقوقی به ایران

دو پرسش اصلی که در این قسمت با آن مواجه هستیم، این است که: (۱) در صورتی که یک سازمان داوری در دعوایی، به اتباع ایران خدمات حقوقی ارائه دهد، آیا آن سازمان داوری با این کار تحت شمول تحریم‌های ثانویه آمریکا قرار خواهد گرفت یا خیر؟ (۲) به همین شکل آیا مؤسسات مالی که تراکنش‌های مالی مربوط به پرداخت هزینه‌های داوری (مثل حق‌الثبت داوری و پیش‌پرداخت هزینه داوری) و وصول آن از سوی سازمان داوری را انجام می‌دهند، با ارائه این خدمات مالی خود را در معرض و تحت شمول تحریم‌های ثانویه آمریکا قرار می‌دهند؟ توضیح اولیه اینکه هر سه فرمان اجرایی که در قسمت قبل به آن‌ها اشاره شد، اجازه وضع تحریم‌های بلوکه‌کننده بر اشخاص و مؤسساتی را می‌دهند که به کشور هدف تحریم کمک مادی می‌کنند. در نتیجه، اگر یک سازمان داوری، ارائه خدمات داوری در دعوایی را بر عهده بگیرد که بر دارنده یک کشور تحت تحریم است و طبق روند معمول داوری، تأدیة پیش‌پرداخت هزینه داوری را از اتباع این‌گونه کشورها بخواهد، این پرسش پیش می‌آید که آیا با این کار، آن سازمان داوری خودش را در معرض تحریم‌های بلوکه‌کننده آمریکا قرار می‌دهد و لذا دارایی‌های آن سازمان در آمریکا مسدود می‌شود یا خیر؟

برای مثال، ممکن است یک سازمان داوری مدیریت دعوایی را به عهده بگیرد که یکی از طرفین آن دعوا یکی از اشخاص ذیل است:

- اشخاصی که به‌صراحت در فرمان اجرایی ۱۳۸۴۶ از آن‌ها نام برده شده است، مانند شرکت ملی نفت ایران، شرکت بازرگانی نفت ایران یا بانک مرکزی ایران؛^۱
- هر شخص حقیقی یا حقوقی ایرانی که نامش در فهرست اس.دی.ان درج شده باشد؛^۲
- هر شخص حقیقی یا حقوقی دیگری که نامش در فهرست اس.دی.ان درج شده باشد و دارایی و اموال و منافعش در اموال و دارایی‌ها متعاقب فرمان اجرایی ۱۳۸۴۶ مسدود شده است.^۳

1. EO 13846: Section 1(a)(ii):
 2. EO 13846: Section 1(a)(iii)(A)
 3. EO 13846: Section 1(a)(iii)(B)

در این‌گونه موارد، با استناد به تفسیر قاعده مندرج در قسمت a ماده یک فرمان اجرایی شماره ۱۳۸۴۶^۱، ممکن است ادعا شود که سازمان داورِ مذکور با پذیرش این‌گونه داورِها خودش را در معرض ریسک تحریم‌های بلوکه‌کننده قرار می‌دهد.

به همین شکل، بر اساس تفسیر مضیق از قسمت (iv) a ماده یک فرمان اجرایی شماره ۱۳۸۷۱^۲ و قسمت (iii) a ماده یک فرمان اجرایی شماره ۱۳۹۰۲^۳، ممکن است استدلال شود که اداره هرگونه دعوا از سوی مؤسسات داورِ، اگر دربردارنده هر یک از اشخاص ذیل باشد، در قلمرو فعالیت‌های قابل تحریم قرار می‌گیرد:

هر شخصی که اموال یا منافعش در اموال، متعاقب هر یک از این فرمان‌های اجرایی مسدود شده است، می‌تواند شخصی باشد که در بخش‌های آهن (فلزات)، فولاد، آلومینیوم و مس فعالیت می‌کند، یا شخصی که در بخش‌های ساخت‌وساز، معدن، تولید، نساجی و مالی شرکت‌های ایرانی فعال است.

در خصوص مؤسسات مالی نیز سه فرمان اجرایی فوق‌الذکر، مؤسسات مالی غیر آمریکایی را با ریسک قرار گرفتن در فهرست «تحریم‌های حساب کارگزاری و حساب پی‌تی‌ای»^۴ (موسوم به فهرست کپتا)^۵ تهدید می‌کنند. این تحریم‌ها افتتاح یا حفظ حساب‌های کارگزاری بین‌بانکی^۶ یا

1. EO 13846: Section 1(a)

2. EO 13871: Section 1(a)(iv)

3. EO 13902: Section 1(a)(iii)

4. Correspondent Account or Payable-Through Account Sanctions (CAPTA List)

۵. این فهرست شامل اطلاعات و مشخصات مؤسسات مالی خارجی مشمول تحریم یا اقدامات محدودکننده است که افک آن را تهیه و به‌هنگام‌رسانی می‌کند. این فهرست مستند به قوانین و مقررات متعددی در نظام حقوقی ایالات‌متحده است که اهم آن عبارت‌اند از:

- Section 510.210 of the North Korea Sanctions Regulations, 31 CFR part 510.
- Section 5 of the Ukraine Freedom Support Act, as amended by section 226 of the Countering America's Adversaries Through Sanctions Act of 2017, Public Law 115-44.
- Sections 1244, 1245, and 1247 of the Iran Freedom and Counter-Proliferation Act of 2012, Public Law 112-239.
- Sections 561.201, 561.203, and 561.204 of the Iranian Financial Sanctions Regulations, 31 CFR part 561.
- Section 566.201 of the Hizballah Financial Sanctions Regulations, 31 CFR part 566.
- Sections 2 and 6 of Executive Order 13846 of August 6, 2018, "Reimposing Certain Sanctions With Regard to Iran"
- Directive 2 under Executive Order 14024 of April 15, 2021, "Blocking Property With Respect To Specified Harmful Foreign Activities of the Government of the Russian Federation"

6. Correspondent Account→

حساب‌های پی.تی.ای^۱ از سوی یک مؤسسه مالی خارجی^۲ را که در این فهرست جای دارد، در آمریکا منع می‌کنند یا مشمول شرایط محدودکننده‌ای قرار می‌دهند.

برای مثال، فرمان اجرایی ۱۳۸۴۶ مقرر می‌دارد که: تحریم‌های کپتا ممکن است بر هر مؤسسه مالی وضع شود تا مشخص شود عامدانه تراکنش‌های مالی چشمگیری را برای اشخاص ذیل انجام داده یا آن‌ها را تسهیل کرده است:^۳

- هر شخص ایرانی مندرج در فهرست اس.دی.ان؛
 - هر شخص دیگری که نامش در فهرست اس.دی.ان درج شده باشد و اموال و دارایی‌ها و منافعش در اموال و دارایی‌ها متعاقب فرمان اجرایی ۱۳۸۴۶ مسدود شده است.^۴
- به‌طور مشابه، قسمت (iii) ماده ۲ فرمان اجرایی شماره ۱۳۸۷۱^۵ و قسمت (ii) ماده ۲ فرمان اجرایی شماره ۱۳۹۰۲^۶، اجازه وضع تحریم‌های «کپتا» را بر آن دسته از مؤسسات مالی خارجی می‌دهد که عامدانه تراکنش‌های مالی چشمگیری را برای یا از طرف هر شخصی که اموال، دارایی‌ها و منافعشان در اموال و دارایی‌های متعاقب این دو فرمان اجرایی مسدود شده است، انجام داده‌اند یا تسهیل کرده‌اند.

توضیح لازم در خصوص مفهوم «تراکنش‌های مالی» اینکه هرگونه انتقال ارزش که از سوی مؤسسه مالی انجام شود، یک نوع معامله مالی است. تراکنش‌های مالی در خصوص پرداخت هزینه‌های داوری به‌ویژه شامل دستور انتقال مستقیم پول و دریافت آن از طرف یا به‌وسیله

→ حساب کارگزاری، حسابی است که یک مؤسسه بانکی برای مؤسسه بانکی دیگر افتتاح می‌کند تا تراکنش‌های مالی از قبیل دریافت یا پرداخت مشتریان طرف آن مؤسسه و به نام آن مؤسسه با استفاده از این حساب انجام دهند. این‌گونه حساب‌ها بر اساس موافقت‌نامه‌های متقابل بین دو بانک ایجاد می‌شوند (تعریف از قانون: CFR ۱010.605(c) ایالات متحده آمریکا و نیز قانون ۳۱ U.S. Code § 5318A(e)(۱)). به این نوع حساب‌ها «نوسترو اکانت» (NOSTRO account) هم می‌گویند.

(European Central Bank. "Glossary of Terms Related to Payment, Clearing and Settlement Systems 2009).

1. Payable-through account (PTA)

حساب پی.تی.ای نوعی حساب سپرده است که بانک‌های آمریکایی معمولاً برای مؤسسات مالی خارجی افتتاح می‌کنند و به مشتریان این مؤسسات اجازه می‌دهد که مستقیماً اقدام به صدور چک از این حساب‌ها بکنند و تمام تراکنش‌های دریافت و پرداخت را از این حساب انجام دهند (تعریف از قانون: CFR ۱010.605(c)(۱)).

2. Foreign Financial Institutions (FFIs)

3. EO 13846: Section 2(a)

4. EO 13846: Section 2 (a)(ii)

5. EO 13871: Section 2(a) (iii)

6. EO 13902: Section 2(a) (ii)

اشخاص معین می‌شوند؛ لذا می‌توان گفت در صورتی که در چارچوب روند داوری، یک بانک غیر آمریکایی هزینه‌های ثبت‌نام و پیش‌پرداخت‌های مربوط به روند داوری را از سوی شخصی بپذیرد که تابع کشور تحت تحریم است، احتمالاً در قلمرو این فرمان‌های اجرایی و ضمانت‌اجراه‌های مندرج در آن‌ها قرار می‌گیرد.

۴. آیا مجوز عام صادره در خصوص خدمات حقوقی، بر سازمان‌های داوری و مؤسسات مالی مرتبط با آن‌ها اعمال می‌شود؟

اما در مقابل محدودیت‌های ایجادشده به‌موجب سه فرمان اجرایی فوق‌الذکر، فهرستی از «خدمات حقوقی مجاز» هم وجود دارند که در «مقررات تحریم‌ها و معاملات ایران» تعریف شده و در واقع نوعی استثنا بر محدودیت‌های مذکور است. بر این اساس، این بار این پرسش مطرح می‌شود که اگر خدمات حقوقی ارائه‌شده از سوی مؤسسات داوری و تراکنش‌های انجام‌شده برای چنین خدماتی از سوی مؤسسات مالی در چارچوب فرایند داوری بین‌المللی، در قلمرو خدمات حقوقی مجاز قرار بگیرند، آیا می‌توان گفت که ارائه این خدمات بر اساس حقوق آمریکا مجاز و خارج از شمول تحریم‌های آمریکاست؟

توضیح اینکه ایالات متحده آمریکا در قوانین، مقرره‌ها، فرمان‌ها، دستورالعمل‌ها و مجوزهای مختلف یک «مجوز عام» را برای برخی فعالیت‌ها در نظر گرفته است و لذا محدودیت‌های مقررشده در فرمان‌های اجرایی، تا حدی اعمال می‌شوند که با این مجوز عام در تعارض نباشند. یکی از این مجوزهای عام، مربوط به «ارائه خدمات حقوقی» می‌شود.

دلیل اینکه «خدمات حقوقی» برخلاف سایر خدمات ضروری به‌صراحت از شمول تحریم‌ها خارج شده‌اند، اجتناب ایالات متحده از اتهام نقض صریح «حق بنیادین دسترسی به عدالت و دادخواهی» و «حق دفاع» به‌مثابه یکی از مهم‌ترین مصادیق حقوق بشری، کشورها و افراد موضوع تحریم است که در ماده ۸ «اعلامیه جهانی حقوق بشر» و ماده ۱۴ «میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی» به آن اشاره است. چنین سیاستی را نیز می‌توان در نظام تحریم‌های اتحادیه اروپا علیه روسیه مشاهده کرد. در نظام تحریم‌های اتحادیه اروپا علیه روسیه نیز برای اولین بار ارائه خدمات حقوقی به‌تصریح و به‌صورت کلی ممنوع اعلام شده، لیکن خدمات حقوقی

کاملاً ضروری از این امر مستثنا شده است^۱ تا این قاعده ناقض حق بنیادین دسترسی به عدالت و حق دفاع - موضوع ماده ۴۷ منشور حقوق بنیادین اتحادیه اروپا و ماده ۶ معاهده اروپایی حقوق بشر - نباشد. قسمت a ماده ۵۲۵ و ۵۶۰ «مقررات تحریم‌ها و معاملات ایران»^۲ مجوز عامی را برای ارائه خدمات حقوقی به اشخاص دولت ایران، مؤسسات مالی ایرانی، اشخاص تحریم‌شده و اشخاص در ایران مقرر داشته است.^۳ مصادیق متعددی از این خدمات را نیز در بندهای مختلف این قسمت ذکر می‌کند که شامل خدمات مشاوره حقوقی در خصوص تطبیق با مقررات تحریم‌های ایالات متحده،^۴ وکالت در رسیدگی‌های اداری، قضایی و داوری داخلی ایالات متحده در جایی که در جایگاه خوانده حضور دارند،^۵ وکالت در طرح دعوی و اقدام حقوقی به منزله خواهان در مراجع اداری قضایی و داوری داخلی ایالات متحده،^۶ کنندگی در برابر ادارات دولتی و فدرال،^۷ شروع و رسیدگی حقوقی در داخل یا خارج از ایالات متحده شامل رسیدگی‌های اداری، قضایی و داوری و رسیدگی در برابر مراجع بین‌المللی^۸ و مشاوره حقوقی برای حل و فصل توافقی و مسالمت‌آمیز دعوی اخیر.^۹ بنابراین، فعالیت‌های مرتبط با آغاز و اداره فرایندهای حقوقی (شامل روندهای داوری) در داخل یا خارج از آمریکا مجاز دانسته شده است و رسیدگی‌های داوری، صراحتاً از شمول محدودیت‌ها و ممنوعیت‌های اعمال شده علیه اتباع ایرانی به‌موجب یک مجوز عام خارج شده است.

در خصوص شمول این مجوز عام به تراکنش‌های مالی مربوط به این خدمات حقوقی شامل پرداخت اجرت خدمات حرفه‌ای و بازپرداخت هزینه‌های انجام‌شده، ابهام وجود دارد.

۱. در ماده ۱ (۱۲) «مقرره ۲۰۲۲/۱۹۰۴ شورای اروپا مصوب ۶ اکتبر ۲۰۲۲» که ماده n۵ «مقرره ۲۰۱۴/۸۳۳» در خصوص اقدامات محدودکننده علیه اعمال روسیه که موقعیت در اوکراین را بی‌ثبات می‌کند» مقرر شده که ممنوعیت ارائه خدمات حقوقی نباید بر ارائه خدمات کاملاً ضروری برای اعمال حق دفاع در رسیدگی‌های قضایی و اطمینان از دسترسی به عدالت از طریق رسیدگی‌های قضایی داوری یا اداری اعمال بشود.

۲. این مجموعه شامل قوانین و مقررات تنقیح‌شده است (31 CFR 560.525) که دولت فدرال منتشر می‌کند.

3. § 560.525 (a)

4. § 560.525 (a)(1)

5. § 560.525 (a)(2)

6. § 560.525 (a)(3)

7. § 560.525 (a)(4)

8. § 560.525 (a)(5)

9. § 560.525 (a)(6)

از یک طرف، مستند به قسمت a ماده ۵۲۵ و ۵۶۰ «مقررات تحریم‌ها و معاملات ایران» و نیز شفاف‌سازی که افک انجام داده است، معاملات و فعالیت‌های مجاز طبق این مجوز عام، همان‌طور که شامل هزینه‌ها و وجوه قضایی می‌شود، شامل پرداخت‌های منطقی و متعارف برای هزینه خدمات حقوقی نیز می‌شود.^۱ بنابراین، این مجوز قانونی احتمالاً به پرداخت هزینه ثبت نام (حق الثبت)، وکالت، مشاوره و پیش‌پرداخت‌ها هم تسری می‌یابد. بند ۲ قسمت d ماده ۵۲۵ و ۵۶۰ «مقررات تحریم‌ها و معاملات ایران» نیز مجوز کلی قبول پرداخت‌های فوق‌الذکر را از طرف بعضی از اشخاص در ایران صادر کرده است؛ البته مقید به آنکه از محل حساب‌ها یا دارایی‌های مسدود شده نباشد.^۲ این قید هرچند در نظریه، چنین پرداخت‌هایی را ناممکن نمی‌کند، اما امکان عملی انجام آن را بسیار محدود می‌سازد؛ یعنی این شخص باید پرداخت‌هایی را که مجاز شناخته شده، برای خدماتی که آن هم مجاز شناخته شده، از محل دارایی‌های خود انجام بدهد که تاکنون از سوی ایالات متحده مسدود نشده است! با این شرایط، پیدا کردن منابع مالی برای چنین پرداختی برای اشخاص تحت تحریم ایالات متحده آمریکا بسیار دشوار به نظر می‌رسد.

از طرف دیگر، طبق بند یک قسمت d ماده ۵۲۵، ۵۶۰ «مقررات تحریم‌ها و معاملات ایران» هنوز هم ممکن است قبول پرداخت‌های فوق‌الذکر از طرف بعضی اشخاص، برای مثال، دولت ایران، بانک مرکزی، مؤسسات مالی ایرانی را مشمول نظام صدور مجوز موردی تلقی کرد.^۳ یعنی هنوز لازم باشد که برای قبول چنین پرداخت‌هایی مجوز اخذ شود و در صورت عدم اخذ این مجوز، اصل تحریم اعمال شود.

به این نکته نیز باید توجه داشت که حتی همین مجوزهای مربوط به تراکنش‌های مالی خدمت حقوقی - جز در مواردی که استثنا شده یا به شکل دیگری اجازه داده شده - شامل اشخاص مذکور در فهرست اس.دی.ان در خصوص حمایت ایران از تروریسم بین‌المللی و اشاعه جنگ‌افزارهای کشتار جمعی نمی‌شود.

بنابراین، علی‌رغم وجود مجوز عام فوق‌الذکر در خصوص خدمات حقوقی، نمی‌توان انکار کرد که ریسک بالقوه قرار گرفتن در معرض تحریم‌های ثانویه آمریکا به شدت بر بانک‌ها و

1. OFAC, Frequently Asked Questions, n. 856, available at: <<https://home.treasury.gov/policy-issues/financial-sanctions/faqs/856>>.

2. § 560.525 (d)(2)

3. § 560.525 (d)(1)

سازمان‌های داوری سنگینی می‌کند و آن‌ها را ناچار می‌سازد تا این ریسک را در یک معادله هزینه-فایده مدیریت کنند.

به‌خصوص، مؤسسات مالی کاملاً از ریسک بالقوه و در حال گسترش تحریم‌های ثانویه آمریکا - که چندلایه و بسیار پیچیده شده است - آگاه هستند و می‌دانند که نقض چنین تحریم‌هایی می‌تواند آن مؤسسه مالی را از امکان افتتاح حساب‌های کارگزاری یا حساب‌های پی.تی.ای محروم کند یا در موارد خاصی آن را در فهرست اس.دی.ان قرار دهد. اغلب مؤسسات مالی بخشی به نام تطبیق^۱ دارند که ریسک قرار گرفتن در معرض تحریم‌ها را در هر مورد خاص بررسی و تحلیل می‌کند. بنابراین، بانک‌ها در نقش فعالان محافظه‌کار بازار، اغلب ترجیح می‌دهند که از انجام یا تسهیل معاملات با طرف‌های ایرانی خودداری کنند؛ حتی اگر آن طرف‌ها تحت تحریم نباشند. همچنین، اغلب ترجیح می‌دهند هرگونه وجهی را که ممکن است به ایران مرتبط شود، اداره و پردازش نکنند.^۲ چنین رویکردی «فرامتابعت»^۳ داوطلبانه نامیده می‌شود و شامل محدودیت‌های خودتحمیلی^۴ است که فراتر از محدودیت‌های وضع‌شده از سوی تحریم‌ها به شمار می‌آید.^۵

اما در خصوص سازمان‌های داوری، رویه، نسبت به مؤسسات مالی کمی متفاوت است. سازمان‌های داوری از گذشته تاکنون به‌طور کلی اظهار کرده‌اند که تحریم‌ها موانعی پیچیده و بغرنج بر مدیریت روندهای داوری هستند، ولی به‌طور کامل مانع اداره دعا از سوی سازمان‌های داوری نمی‌شوند. به عبارت دیگر، دیوان‌های داوری خود اذعان می‌کنند که تحریم‌ها کار را سخت و پیچیده می‌کند، اما مانعی رفع‌نشده و اجتناب‌ناپذیر برای انجام داوری نیست^۶ و رویکرد فرامتابعت در آن‌ها کمتر از مؤسسات مالی است. به نظر می‌رسد این رویکرد سازمان‌های داوری

1. Compliance Department

۲. از جمله ببینید: زارع، ساسان؛ اسماعیلی اتویی، سلمان، **مدل‌سازی مدیریت ریسک بین‌الملل در بانکداری جمهوری اسلامی ایران با توجه به مؤلفه‌های امنیت ملی جمهوری اسلامی و شرایط تحریم**، فصلنامه آفاق امنیت، سال ۷، زمستان ۱۳۹۳، ش ۲۵، صص ۲۲۹ و ۲۳۰-۲۳۱ و ۲۳۳.

3. Overcompliance

۴. این محدودیت‌های خودتحمیل همیشه به شکل خودداری از ارائه یک خدمت نیست. گاهی به شکل درخواست اسناد و تأییدهایی است که تهیه آن‌ها بسیار دشوار است. گاهی هم به شکل ارائه نرخ بالاتر برای خدمات، دریافت هزینه اضافه یا تأخیر در ارائه خدمت خودنمایی می‌کند.

5. Douhan, op. cit. paras. 17 and 25.

6. Azeredo da Silveira, M. den Hartog, S. «US Secondary Sanctions Against Iran: Why Arbitral and Financial Institutions Should Be Cautious», Kluwer Arbitration Blog, November 11th, 2021, available at: <http://arbitrationblog.kluwerarbitration.com/2021/11/11/us-secondary-sanctions-against-iran-why-arbitral-and-financial-institutions-should-be-cautious/>

در راستای سیاست کلی گسترش صلاحیت دیوان‌های داوری است که تاب‌آوری سازمان‌های داوری را در مقابل ریسک قرار گرفتن در معرض تحریم‌ها افزایش می‌دهد.

۵. تحلیل هزینه-فایده

در کنار تمام تحلیل‌های حقوقی انجام‌شده در قسمت‌های پیشین، باید اذعان داشت که در عمل، هم سازمان‌های داوری و هم بانک‌ها و به‌طور کلی مؤسسات مالی درگیر در فرایند پرداخت و وصول هزینه‌های داوری، هنگام ارزیابی پرونده‌هایی که در آینده در خصوص اتباع ایران مطرح می‌شود، به‌دقت ریسک تحریم‌های ثانویه را تحت نظارت خود قرار می‌دهند و پایش می‌کنند.

ارزیابی ریسک‌های فوق‌الذکر و انجام تحلیل هزینه-فایده^۱ گاه ممکن است سازمان داوری یا مؤسسه مالی مربوطه را به این نتیجه برساند که از ارائه خدمات حقوقی و مالی به اشخاصی که تحت تحریم‌های ایالات متحده آمریکا هستند، خودداری کنند تا از قرار گرفتن در معرض ریسک تحریم‌های ثانویه آمریکا بر خودشان جلوگیری کنند. به عبارت دیگر، به‌جای تهیه گزارش‌های تحلیلی هزینه‌بر که نمی‌توانند با قطعیت عدم وجود ریسک را در ارائه خدمات احراز کنند، به‌طور کلی از ارائه هرگونه خدمتی به تابعان کشور هدف تحریم خودداری کنند.

تصمیم به اتخاذ رویکرد فرامتابعت می‌تواند به دلایلی مانند اجرای فرایند کاهش ریسک، به حداقل رساندن احتمال نقض غیرعامدانه تحریم، اجتناب از ریسک‌های اعتباری یا تجاری یا صرفاً به دلیل کاهش هزینه‌های لازم برای احراز متابعت (فرایند تطبیق) باشد.^۱

فرامتابعت می‌تواند بسیار بیشتر از خود تحریم‌ها بر کشورهای هدف تأثیر بگذارد. از یک‌سو، با گسترش کمی و پیچیده‌تر شدن نظام تحریم‌های اولیه و ثانویه (کاهش شفافیت) در سال‌های اخیر، ترس تحت تحریم قرار گرفتن (ترس از ضمانت اجرا) موجب شده تا تمایل به فرامتابعت افزایش چشمگیری بیابد.^۲ از سوی دیگر، فرامتابعت اثری بیش از خود تحریم دارد و در مواردی حتی پس از خاتمه تحریم‌ها نیز ادامه پیدا کرده است.^۳ در سال ۲۰۱۵، اتاق بازرگانی بین‌المللی

1. Douhan, op. cit. paras. 2, 3, and 17.

2. Ibid., parsa. 14, 16, 17, and 18.

۳. برای مثال، بانک‌های بزرگ بین‌المللی حتی پس از برطرف شدن تحریم‌ها علیه ایران در سال ۲۰۱۶ فعالیت‌های خود را در ایران دوباره شروع نکردند. در این خصوص رک:

Ibid., para. 21.

(آی.سی.سی) تا جایی پیش رفت که خودش را ملزم به عمل کردن مطابق با تحریم‌های ایالات متحده آمریکا دانست. این سازمان اعلام کرد: «در سال‌های اخیر، بیش از هر زمانی نسبت به گذشته، دولت‌ها و سازمان‌های فراملی، به تحریم‌های بین‌المللی به‌مثابه ابزار سیاست خارجی و حاکمیت اقتصاد بین‌المللی متوسل شده‌اند. آی.سی.سی هم در مقام سازمان بازرگانی بین‌المللی، مانند دیگر فعالان عرصه تجارت و توسعه بین‌المللی، مشمول چنین مقرره‌ها و اقداماتی شده است ... بخش خدمات حل اختلاف آی.سی.سی، به سبب فعالیت‌های بین‌المللی‌اش، ملزم است که مطابق با مقررات تحریم‌کننده جاری عمل کند؛ مثل تحریم‌هایی که به‌وسیله سازمان ملل، اتحادیه اروپا و افک وضع شده است. این رژیم تحریمی به‌طور یکسان برای همه نهادهای حل اختلاف به‌ویژه در اتحادیه اروپا، سوئیس و ایالات متحده آمریکا قابل اعمال است.»^۲ طبق این اعلام رسمی، آی.سی.سی رسماً خود را به رعایت مقررات تحریم‌های وضع شده از سوی دفتر کنترل دارایی‌های خارجی وزارت خزانه‌داری آمریکا ملزم دانسته است.

این در حالی است که در تمام سازمان‌های داوری، چنین رویکردی وجود ندارد. برای مثال، اتاق داوری بین‌المللی سوئیس^۳ ارائه خدمات داوری به پرونده‌هایی با طرف ایرانی را متوقف نکرده است.^۴

البته باید توجه داشت که یکی از عواملی که می‌تواند بر تصمیم‌گیری دیوان‌های داوری بر پذیرش یا عدم پذیرش هدایت حل اختلاف این‌گونه دعاوی تأثیرگذار باشد، مسئله وجود تحریم‌های ثانویه آمریکاست و اینکه آیا انجام خدمات داوری، سازمان داوری را در معرض چنین تحریم‌هایی قرار می‌دهد یا خیر؟ والا، در صورت عدم شمول تحریم‌های ثانویه بر سازمان‌های داوری، این سازمان‌ها اصولاً از پذیرش دعاوی قراردادی مرتبط با اتباع ایرانی، به‌صرف اینکه آن اتباع مشمول تحریم‌های ایالات متحده آمریکا هستند، استنکاف نمی‌کنند.

در توضیح ارزیابی‌های هزینه-فایده‌ای که سازمان‌های داوری در این خصوص انجام می‌دهند، باید دو جنبه متقابل را در نظر گرفت: فواید قبول و انجام داوری در چنین پرونده‌هایی، و هزینه‌های مترتب بر عدم پذیرش داوری.

1. International Chamber of Commerce (ICC)

2. ICC, News: International Economic Sanctions, 1 July 2015, available at: <<https://iccwbo.org/media-wall/news-speeches/international-economic-sanctions/>>.

3. Swiss Chambers Arbitration Institution (SCAI)

۴. رضوانیان، پیشین، ص ۴۴.

در خصوص فوایدی که پذیرش رسیدگی به دعوای دربردارنده تحریم از سوی سازمان داورى برای آن سازمان به دنبال دارد، علاوه بر مناسبات و جنبه‌های مالی، باید اذعان کرد که صرف پذیرش دعوای مختلف به خودی خود، موجب اعتبار سازمان داورى می‌شود؛ به عبارت دیگر، هرچه یک سازمان داورى بیشتر داورى کند، اعتبار بیشتری می‌یابد.

اما در خصوص هزینه‌های مستقیم و غیرمستقیم عدم پذیرش دعوا از سوی سازمان داورى، اولاً باید متذکر شد که این امر باعث می‌شود هیچ جایگزینی برای حل دعوا باقی نماند و وصول حق با مانع مواجه شود؛ چراکه از یک طرف، طرفین با انعقاد موافقت‌نامه داورى حق مراجعه به دادگاه‌ها و مراجع قضایی داخلی را از خود سلب کرده‌اند و از سوی دیگر، در صورت عدم توافق طرفین، امکان حل اختلاف از سوی سازمان داورى دیگری نیز وجود نخواهد داشت (که در اکثر قریب به اتفاق موارد چنین توافقی بعد از بروز اختلاف حاصل نمی‌شود).

در همین راستا، این عقیده در سطح جهانی وجود دارد که وقتی یک سازمان داورى، قواعد داورى سازمانی خود را به صورت عمومی منتشر می‌کند، با این کار یک ایجاب عمومی را محقق ساخته و لذا انعقاد موافقت‌نامه داورى از سوی طرفین اختلاف به معنای پذیرش این ایجاب است و سازمان داورى را متعهد می‌کند.^۱ لذا در صورت استتکاف از پذیرش داورى، امکان طرح دعوای مطالبه خسارت علیه سازمان داورى محتمل خواهد بود.^۲ ثانیاً، عدم پذیرش دعوا از سوی سازمان داورى موجب می‌شود نه تنها اعتبار آن سازمان خدشه‌دار شود، بلکه به اعتبار نهاد داورى در سطح بین‌المللی و تلاش‌های صورت گرفته برای ترویج نهاد داورى به‌ویژه در سال‌های اخیر، لطمه وارد آید و اعتماد فعالان حوزه تجارت بین‌الملل به شیوه‌های جایگزین حل اختلاف را کاهش دهد.

از طرف دیگر، اشخاص حقیقی و حقوقی ایرانی که قراردادهای بین‌المللی آن‌ها به هر شکل تحت شمول تحریم‌های آمریکا قرار می‌گیرد نیز باید هنگام درج شرط داورى در قرارداد خود از

1. Tribunal de grande instance de Paris, *Cekobanka v. CCI*, 8 October 1986, *Arbitration Review*, 1987, p. 367; République de Guinée v. Chambre arbitrale de Paris, Tribunal de grande instance. Judgments of 30 May 1986, 30 October 1986, and 28 January 1987, Paris, *Arbitration Review*, 1987, p. 371; Kleiman, E. "The SNF v. International Chamber of Commerce case and the obligation to conduct arbitration proceedings with "Expected Dispatch"", *Stockholm International Arbitration Review*, 2010, p 21; Ceskilovenska Obchodni Banka A.S. (Cekobanka) v. Chambre de commerce internationale, Tribunal de grande instance de Paris (8 October 3, 1986), *Arbitration Review*, 1987; Fouchard, Philippe, "Les institutions permanentes d'arbitrage devant le juge étatique", *Arbitration Review*, 1987, p. 225.

۲. جهت اطلاعات تفصیلی در مورد امکان مطالبه خسارت در موارد این چنینی، ر. ک. به: رضوانیان، پیشین.

این امر مطلع باشند. توصیه به رعایت این‌گونه احتیاط‌ها در بخش‌نامه مرکز امور حقوقی بین‌المللی ریاست‌جمهوری ایران خطاب به کلیه وزارتخانه‌ها و دستگاه‌های اجرایی به صراحت دیده می‌شود که در آن به همه دستگاه‌های دولتی توصیه شده در قراردادهای خود از انتخاب آی.سی.سی به منزله مرجع حل اختلاف خودداری کنند.^۱

۱. متن کامل بخش‌نامه به شرح ذیل است:

«احتراماً، با اشاره به بخش‌نامه معاون اول محترم رئیس‌جمهور به شماره ۵۱۹۵۳/۲۹۴۲۶ به تاریخ ۱۳۹۴/۳/۱۰، نظر به چند مورد تصمیم ناموجه و رفتار غیرمسئولانه دیوان داورى بین‌المللى اتاق بازرگانى بین‌المللى (ICC International Court of Arbitration) که به‌وضوح به حقوق طرف‌های ایرانی لطمه وارد کرده است، بدین‌وسیله به کلیه دستگاه‌های دولتی توصیه می‌نماید که در تعیین شیوه حل‌وفصل اختلافات، در قراردادها/توافقاتی که با طرف‌های خارجی خواهند داشت، از داورى بین‌المللى تحت مدیریت و قواعد داورى ICC و انتخاب این سازمان به‌عنوان مقام صالح برای داورى سازمانى اجتناب کنند و در صورت امکان در قراردادهای موجود نیز که در آنها به‌شرط حل‌وفصل اختلافات طرفین از طریق دیوان داورى مزبور اشاره شده است، بازنگری نموده و با هماهنگی این مرکز، داورى تحت قواعد آنسیترال (UNCITRAL) و یا سایر مراکز داورى بین‌المللى را انتخاب فرمایند.» (بخش‌نامه شماره ۵۰۵۸ مرکز امور حقوقی بین‌المللی ریاست‌جمهوری به تاریخ ۱۳۹۷/۰۹/۲۶)

نتیجه‌گیری

با توجه به مواجه شدن ایران با تحریم‌های مختلف از سوی ایالات متحده آمریکا، طبیعتاً دعاوی قراردادی متعددی در سطح بین‌المللی از سوی یا به طرفیت اتباع ایرانی در سازمان‌های داوری مطرح می‌شود که برخاسته از این تحریم‌ها یا مرتبط با آن‌ها هستند.

پرسش اصلی این است که اگر مرجع حل و فصل اختلافات قرارداد یک سازمان داوری باشد، آیا تحریم‌های ثانویه آمریکا می‌تواند محملی بر عدم ارائه خدمات حقوقی و مالی از سوی سازمان‌های داوری و به تبع آن مؤسسات مالی فعال در روندهای داوری قلمداد شود؟

در تحریم‌های ثانویه، کشور واضح تحریم از برقراری روابط بازرگانی، مالی و سایر روابط با کشورها یا اشخاص حقیقی یا حقوقی که با کشور هدف تحریم دارای روابط هستند، با اینکه خود آن اشخاص نه در کشور هدف تحریم و نه در کشور واضح تحریم فعالیت می‌کنند و نه به صورت اولیه هدف تحریم هستند، ممانعت به عمل می‌آورد. لذا ادامه ارائه خدمات حقوقی و مالی از سوی سازمان‌های داوری و مؤسسات مالی فعال در روندهای داوری به اتباع ایرانی می‌تواند مشمول تحریم‌های ثانویه آمریکا قرار گیرد.

سه فرمان اجرایی صادره از سوی آمریکا علیه ایران، اجازه وضع تحریم‌های بلوکه‌کننده بر اشخاص و مؤسساتی را می‌دهد که به ایران به مثابه کشور هدف تحریم کمک می‌کنند؛ لذا ارائه خدمات حقوقی و مالی از سوی سازمان‌های داوری و مؤسسات مالی فعال در روندهای داوری، آن‌ها را در معرض ریسک تحریم‌های مندرج در این سه فرمان اجرایی قرار می‌دهد؛ به خصوص درباره مؤسسات مالی که ارائه خدمات مالی در چنین پرونده‌هایی، ریسک قرار گرفتن در معرض تحریم‌های کپتا را برای آن‌ها در پی خواهد داشت.

گرچه بر اساس قسمت‌های a و d ماده ۵۶۰،۵۲۵ «مقررات تحریم‌ها و معاملات ایران»، یک مجوز عام برای ارائه خدمات حقوقی وجود دارد، حتی این امر نیز قطعی نیست و متعاقب بند یک قسمت d ماده ۵۶۰،۵۲۵ همان مقررات محدود شده است.

ضمن اینکه ارزیابی هزینه-فایده انجام شده از سوی سازمان‌های داوری یا مؤسسات مالی مربوطه، در عمل ممکن است آن‌ها را به این نتیجه برساند که به طور کلی از ارائه خدمات حقوقی و مالی به اشخاص تحت تحریم‌های آمریکا خودداری کنند تا از قرار گرفتن در معرض ریسک

تحریم‌های ثانویه آمریکا بر خودشان جلوگیری به عمل آورند (رویکرد فرامتابعت). این موضوعی است که اتباع ایران هنگام انعقاد موافقت‌نامه داوری در قرارداد باید به آن توجه داشته باشند. به نظر می‌رسد که دولت ایالات متحده آمریکا با علم به وقوع فرامتابعت، عامدانه قواعد حقوقی موجد تحریم‌های ثانویه و نیز مجوزهای عام معافیت خدمات حقوقی و مالی مرتبط با آن را به صورت کلی و مبهم وضع می‌کند تا بتواند ضمن اعمال فشار حداکثری و محدود کردن دسترسی دولت و اتباع ایرانی به خدمت حقوقی، مسئولیت ناشی از نقض «حق دسترسی به عدالت و دادخواهی» و «حق دفاع» را از خود سلب کند.

در «گزارش مخبر ویژه شورای حقوق بشر در خصوص آثار منفی اقدامات یک‌جانبه قهری بر بهره‌مندی از حقوق بشر» به اثر تحریم‌های ثانویه و فرامتابعت بر «حق دسترسی به عدالت و دادخواهی» و «حق دفاع» اشاره نشده است. این در حالی است که انتظار می‌رفت در سفر اخیر گزارشگر به ایران^۱ در کنار ارائه مستندات مربوط به اثر تحریم‌ها بر تأمین دارو و ... مستندات چشمگیری که در بخش دولتی و خصوصی در این موضوع وجود دارد، به ایشان ارائه شود.^۲

۱. خانم النا دوهان از ۷ تا ۲۸ خرداد ۱۴۰۱ برای تهیه گزارش خود به ایران سفر کرد.
۲. در تاریخ بازبینی این مقاله (نوامبر ۲۰۲۲) هنوز این مأموریت مخبر ویژه به اتمام نرسیده و این امکان فراهم است که این موارد به خانم النا دوهان ارائه شود.

منابع:**قوانین، مقررات و کنوانسیون‌ها:**

1. 31 CFR 510- North Korea Sanctions Regulations
2. 31 CFR 560- Iranian Transactions And Sanctions Regulations (ITSR)
3. 31 CFR 561- Iranian Financial Sanctions Regulations. (IFSR)
4. 31 CFR 566- the Hizballah Financial Sanctions Regulations,
5. 31 CFR 1010.605- Definitions.
6. 31 U.S. Code § 5318A- Special measures for jurisdictions, financial institutions, international transactions, or types of accounts of primary money laundering concern
7. Caesar Syria Civilian Protection Act (the Caesar Act) (2019).
8. Charter of Fundamental Rights of the European Union (2000).
9. Convention for the Protection of Human Rights and Fundamental Freedoms (1950).
10. Council Regulation (EU) 2022/1904 of 6 October 2022.
11. Council Regulation (EU) No 833/2014 of 31 July 2014.
12. Executive Order 13846 of August 6, 2018: Reimposing Certain Sanctions With Respect to Iran, Federal Register, Vol. 83, No. 152, Tuesday, August 7, 2018.
13. Executive Order 13871 of May 8, 2019: Imposing Sanctions With Respect to the Iron, Steel, Aluminum, and Copper Sectors of Iran, Federal Register, Vol. 84, No. 91, Friday, May 10, 2019.
14. Executive Order 13902 of January 10, 2020: Imposing Sanctions With Respect to Additional Sectors of Iran, Federal Register, Vol. 85, No. 9, Tuesday, January 14, 2020.
15. Public Law no. 104-114 - Cuban Liberty and Democratic Solidarity (LIBERTAD) Act of 1996 (also know as Helms-Burton Act).
16. Public Law no. 104-172 - The Iran and Libya Sanctions Act of 1996 (ILSA).
17. Public Law no. 112-239 -The Iran Freedom and Counter-Proliferation Act of 2012.
18. Public Law no. 115-44 -The Ukraine Freedom Support Act (2014), as amended by section 226 of the Countering America's Adversaries Through Sanctions Act of 2017.

19. The International Covenant on Civil and Political Rights (1966). The Joint Comprehensive Plan of Action (JCPOA) (2015).
20. Universal Declaration of Human Rights (1948).

آراء، اسناد و نظرات رسمی:

21. *Cekobanka v. CCI*, Tribunal de grande instance de Paris, 8 October 1986, *Arbitration Review*, 1987, 367-368.
22. *République de Guinée v. Chambre arbitrale de Paris*, Tribunal de grande instance. Judgments of 30 May 1986, 30 October 1986, and 28 January 1987, Paris, *Arbitration Review*, 1987, p. 371.
23. *Ceskilovenska Obchodni Banka A.S. (Cekobanka) v. Chambre de commerce internationale*, Tribunal de grande instance de Paris (8 October 3, 1986), *Arbitration Review*, 1987.
24. Directive 2 under Executive Order 14024 of April 15, 2021, “Blocking Property With Respect To Specified Harmful Foreign Activities of the Government of the Russian Federation”
25. ICC, News: International Economic Sanctions, 1 July 2015, available at: <<https://iccwbo.org/media-wall/news-speeches/international-economic-sanctions/>>. (last visited 2022-11-25)
26. OFAC, Frequently Asked Questions, n. 856, available at: <<https://home.treasury.gov/policy-issues/financial-sanctions/faqs/856>>. (last visited 2022-11-25)
27. OFAC, Specially Designated Nationals and Blocked Persons List (the “SDN List”), available at <<https://home.treasury.gov/policy-issues/financial-sanctions/specially-designated-nationals-and-blocked-persons-list-sdn-human-readable-lists>>. (last visited 2022-11-25)
۲۸. بخش‌نامه شماره ۵۰۵۸ مرکز امور حقوقی بین‌المللی ریاست‌جمهوری به تاریخ ۱۳۹۷/۰۹/۲۶

الف) منابع فارسی:

۲۹. ابراهیمی، سید نصرالله، اوپار حسین، شادی، آثار تحریم بر اجرای قراردادهای بازرگانی بین‌المللی از منظر فورس ماژور، دوفصلنامه علمی- پژوهشی دانش حقوق مدنی، پاییز و زمستان ۱۳۹۱، ش ۲، صص ۱-۱۸.

۳۰. جعفرزاده، میرقاسم؛ گلشنی، عصمت؛ و حسینی مدرس، سید مهدی، جایگاه «شرط شایستگی اعمال» در تأثیر تحریم‌های موضوعه از سوی کشورهای ثالث، پژوهش‌های حقوق تطبیقی، ۱۴۰۰، ۲۵ (۲)، صص ۵۱-۷۵.
۳۱. رضوانیان، اویس، مسئولیت حقوقی سازمان‌های داوری ناشی از استتکاف از رسیدگی به اختلافات ارجاعی، پژوهش حقوق خصوصی، پاییز ۱۳۹۷، دوره ۶، شماره ۲۴، صص ۳۷-۶۵.
۳۲. زارع، ساسان؛ اسماعیلی اتویی، سلمان، مدل‌سازی مدیریت ریسک بین‌الملل در بانکداری جمهوری اسلامی ایران با توجه به مؤلفه‌های امنیت ملی جمهوری اسلامی و شرایط تحریم، فصلنامه آفاق امنیت، سال ۷، زمستان ۱۳۹۳، ش ۲۵، صص ۲۱۳-۲۴۵.
۳۳. کریمی، عباس، حقوق داوری داخلی، تهران، مؤسسه انتشارات دادگستر، ۱۳۹۱.
۳۴. گلشنی، عصمت، تأثیر تحریم‌ها بر قراردادهای بازرگانی بین‌المللی، رساله دکتری رشته حقوق خصوصی، تهران: دانشگاه شهید بهشتی تهران، ۱۳۹۶.
۳۵. لثو، جولیان دی‌ام، میستلیس، لوکاس ای، کرول، استفان ام، داوری تجاری بین‌المللی تطبیقی، ترجمه محمد حبیبی مجنده، قم، انتشارات دانشگاه مفید، پاییز ۱۳۹۱، چ ۱.

ب) منابع خارجی:

36. Azeredo da Silveira, M. *Trade Sanctions and International Sales- An Inquiry into International Arbitration and Commercial Litigation*, The Netherlands: Wolters Kluwer, 2014.
37. Azeredo da Silveira, M. den Hartog, S. "Asset Freezes and the Payment of Advances on Costs: Are the Proceedings Bound to End Before They Have Even Begun?", Kluwer Arbitration Blog, October 19th, 2021, available at: <http://arbitrationblog.kluwerarbitration.com/2021/10/19/asset-freezes-and-the-payment-of-advances-on-costs-are-the-proceedings-bound-to-end-before-they-have-even-begun/> (last visited 2022-11-25)
38. Azeredo da Silveira, M. den Hartog, S. **US Secondary Sanctions Against Iran: Why Arbitral and Financial Institutions Should Be Cautious**, Kluwer Arbitration Blog, November 11th, 2021, available at:

<http://arbitrationblog.kluwerarbitration.com/2021/11/11/us-secondary-sanctions-against-iran-why-arbitral-and-financial-institutions-should-be-cautious/> (last visited 2022-11-25)

39. Douhan, Alena F. **Secondary sanctions, civil and criminal penalties for circumvention of sanctions regimes and overcompliance with sanctions**, Report of the Special Rapporteur on the negative impact of unilateral coercive measures on the enjoyment of human rights to the Human Rights Council, 15 July 2022.
40. European Central Bank. "Glossary of Terms Related to Payment, Clearing and Settlement Systems." (2009).
41. Fouchard, Philippe, "Les institutions permanentes d'arbitrage devant le juge étatique", *Arbitration Review*, 1987.
42. Kleiman, E. "The SNF v. International Chamber of Commerce case and the obligation to conduct arbitration proceedings with "Expected Dispatch"", *Stockholm International Arbitration Review*, 2010.
43. Low, Lucinda A. and William M. McGlone, "Avoiding Problems under the Foreign Corrupt Practices Act, US Antiboycott Laws, OFAC Sanctions, Export Controls, and the Economic Espionage Act", in: Sandstrom and Goldsweig (eds), *Negotiating and Structuring International Commercial Transactions*, 2nd, 2003.

